



## جایگاه ضوابط شرعی و احکام پزشکی در مکتب طب سنتی ایران و آثار حکما

سید مهدی میرغضنفری\*<sup>۱</sup>، یوسف اصغری<sup>۲</sup>

**مقدمه:** وجود انسان، از دو بخش جسم و روح تشکیل شده که با وجود تفاوت های بسیار ماهوی، با یکدیگر کاملاً در تعامل و مرتبط می باشند. سلامت هر دو بخش برای سعادت و رشد بشر لازم است و البته سلامت جسم و روان مقدمه ای برای سلامت روح و از ملزومات آن است. علم طب به حفظ سلامت جسم و علم دین به سلامت روح می پردازد؛ و لذا این دو علم، علوم اصلی و مهم از دیدگاه اسلام می باشند. در این خصوص حدیث نورانی و معروف رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فصل الخطاب است که می فرماید: العلم علمان، علم الابدان و علم الادیان. مشخص است که دو علم مذکور نیز عقلاً و منطقاً باید کاملاً با یکدیگر نزدیک و مرتبط باشند. مسلماً علم دین ارجح بر علم بدن است؛ چنانچه از حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام نقل شده که فرمودند: ... و بدان همانا دین شریف تر از بدن است و حفظ و حراست از دین واجب تر از حفظ و حراست بدن می باشد. لذا علم طب و کلاموری که به جسم و بدن می پردازند، از لحاظ عقلی و منطقی نمی توانند غیر دینی یا غیر شرعی بوده و به صورت کلی یا جزئی تناقض و تنافری با بخشی یا کل دین داشته باشد. همچنین عامل به علم طب نیز باید از تقوا به عنوان اولین و مهم ترین اصل و مجوز طبابت بهره مند باشد؛ همانگونه که از حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام نقل شده که فرمودند "مَنْ تَطَبَّبَ، فَلْيَتَّقِ اللَّهَ وَ لْيَتَصَحَّ وَ لْيَجْتَهِدْ؛ یعنی هر کس بخواهد طبابت پیشه کند، باید از خدا پروا بدارد و خیر خواهی و جدیت به خرج دهد. در واقع هم باید طیبیب، خود متقی و دیندار باشد و هم ابزار وی که همان علم طب است باید در مغایرت یا مخالفت با دین و شرع مقدس نباشد که در هریک از این صور نقض غرض رخ خواهد داد.

اگر از منظر طب سنتی ایران - به عنوان یکی از قدیمی ترین و غنی ترین مکاتب طبی دنیا و میراث ارزشمند ملی- موضوع ارتباط فقه و طب را پی گیری کنیم خواهیم دید که اکثر حکمای بزرگ این مکتب - صرف نظر از این که خود فقیه بوده اند یا نه- با این اعتقاد که علم طب به عنوان ابزاری قوی و مقدس با حفظ و ایجاد سلامت جسم، زمینه را برای فعالیت موثر دین در وجود انسان و تعالی روح او فراهم می آورد، ضمن مزین بودن به نور ایمان و تقوی، در مسائل نظری و عملی طبی، امور شرعی و

<sup>۱</sup> پزشک، دکترای تخصصی فیزیولوژی، عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی ارتش، تهران

<sup>۲</sup> طلبه سطح عالی حوزه علمیه تهران - حوزه حضرت عبدالعظیم علیه السلام، عضو انجمن تحقیقاتی طب سنتی ایران



فقهی را دخیل و رعایت می کرده اند. بدیهی است که وقتی طبیب و علم وی هردو نورانی به نور ایمان و اسلام باشند و نه بی تفاوت یا در تضاد با آن ها، پدیده های تشخیص، درمان و شفا نیز با سرعت و کیفیت بالا شکل می گیرند که داستان های ذکر شده در تاریخ طب مسلمانان و شگفتی های کارشان شاهد بر این حقیقت است. با این خصوصیات دیگر نگرانی در خصوص عدم رعایت مسائل و احکام فقهی و شرعی توسط یک نظام طبی یا تحصیل کرده های آن باقی نمی ماند.

امروزه با توجه به انفکاک دین از بسیاری علوم رایج و جاری و ساری بودن فرهنگ و دیدگاه اومانیسم در آن ها از جمله طب مرسوم دانشگاهی - که رهاورد غرب و نهضت رنسانس و نفوذ فرهنگ هدفمند بیگانگان ضد دین می باشد- اساساً دین، شرع و خدا جایگاهی در این علوم ندارد. این حقیقت تلخ را باید پذیرفت که دیدگاه مذکور در بنیانگذاران علوم فوق الذکر و محصلان و پیروان چشم بسته و غافل آن در اکثر کشورهای اسلامی و دینی نیز به چشم می خورد. اینجاست که جای خالی دین و فقه در کنار و قبل از فراگیری علوم رایج و از جمله طب در سطح دانشگاهی کاملاً احساس شده و شاهد پیامدهای متعدد آن در جوامع می باشیم. لذا بسیار لازم و حیاتی است که این جای خالی و خلاء خطرناک، هرچه سریع تر و عمیق تر با تلاش متدینین و علمای حوزه و دانشگاه در عرصه آموزش و پژوهش پر شود. این مقاله تلاش دارد در حد بضاعت با کند و کاو در تاریخ طب و آثار حکمای ایرانی مسلمان، جایگاه و نقش ضوابط و احکام شرعی را در این میراث ارزشمند ملی تبیین نموده و با تنویر و شفاف سازی این موضوع و نیز ارائه ادله لزوم احیای نقش فقه در طب و طبابت و چند پیشنهاد، زمینه را برای الگوگیری و اجرایی شدن مجدد تلفیق و تقدم دین بر طب فراهم آورد انشاء الله.

**روش انجام مطالعه:** این مطالعه از نوع مطالعات پژوهشی میان رشته ای بوده که در آن از روش جستجوی علمی در منابع متنی و الکترونیک موجود در عرصه طب سنتی ایران، احکام شرعی (فقه اسلامی)، اخلاق پزشکی و ... استفاده شده، یادداشت برداری به صورت هدفمند و سپس گزاره نویسی صحیح حول محورهای موضوع انجام شده، تمام مطالب مرتبط با هم با ذکر منبع علمی آن به صورت طبقه بندی و تلخیص شده در متن مقاله آورده شده و در پایان هر بخش، جمع بندی و نتیجه گیری آن قسمت طبق نظر نگارندگان انجام و پیشنهاد گردیده است.

**نتایج و بحث:** می توان به صورت کلی مباحث مربوط به موضوع "معنویت و طب" را در سه بخش تقسیم کرد که عبارتند از "اخلاق پزشکی" یا "اخلاق الطبایه"، "احکام پزشکی" یا "فقه الطبایه" و "معنویت طب یا طبیب". اصطلاح "اخلاق پزشکی" که جزء اخلاق حرفه ای محسوب می شود شامل تمام مسائل رفتاری و سلوکی پزشک نسبت به بیماران می شود. "احکام پزشکی" عبارتند از مجموعه مسائل فقهی که در حوزه های مختلف علوم پزشکی شامل آموزش، پژوهش، خدمات رسانی مطرح و لازم می باشند. مسائل اخلاقی و با اولویت بالاتر، احکام پزشکی از زیر مجموعه های معنویت طب یا طبیب محسوب می شوند. معنوی بودن طبیب یک مفهوم عام دارد که دارای شاخصه های مختلف



است شامل اخلاق و عمل صالح، رعایت مسائل فقهی-شرعی و مسائل مختلف دیگر که باید تمام جنبه های وجودی شخص را در بر گیرد. در این مقاله به بحث احکام شرعی و فقهی در پزشکی از رویکرد طب سنتی و تاریخ طب پرداخته شده است. حکمای طب سنتی ایران را از رویکرد علم فقه و احکام شرعی می توان به سه گروه تقسیم نمود. گروه اول حکیم های هستند که در مسائل فقهی کاملاً تبحر داشته اند و برخی از آنها در امر فقهت در زمان خودشان سرآمد فقها بوده اند. گروه دوم حکمایی هستند که در امر فقهت، تبحر نداشته ولی در امور فقهی به فقهای زمان خودشان مراجعه می نمودند و مسائل شرعی را از آن ها فرا می گرفتند که نتیجه این مراجعات اطلاع کامل از احکام پزشکی یا همان فقه الطبایه می باشد. گروه سوم حکیم های بوده اند که در مسائل شرعی تبحر نداشته و برای اطلاع از احکام شرعی به فقهای زمان خودشان نیز رجوع نمی نمودند. نتایج مطالعه در مورد چند حکیم بزرگ طب سنتی ایران که در آثار آنها مطالب مرتبط با موضوع پژوهش یافت شده است نشان می دهد که تعداد محدودی از حکمای طب سنتی ایران، از قبیل حکیم بوعلی سینا (ره)، حکیم سید اسماعیل جرجانی (ره)، حکیم عقیلی خراسانی (ره) و ... به درجه گروه اول رسیده اند. تعداد زیادی جزء گروه دوم قرار می گیرند که می توان به جناب زکریای رازی، حکیم ابوالحسن علی بن سهل، ابو بکر بن ابی الحسن الطیبی الزهری، بهاء الدوله رازی، حکیم محمد بن یوسف هروی، حکیم سید محمد مومن، حکیم شاه ارزانی، حکیم ملک الاطباء گیلانی اشاره نمود. اما در مورد گروه سوم باید گفت که در میان اطبای طب سنتی ایران، افرادی بوده اند که مسائل شرعی در آثار ایشان نمود چندانی نداشته و در پاره ای از مراجعات درمانی آنها، تجویز مواد حرام هم بوده است گرچه این اشخاص آنچنان مطرح و سرشناس نیستند و تعداد آنها هم خیلی کم است.

در سرزمین کهن ایران اسلامی همواره طبیب و طبابت و حکیم از قداست و جایگاه ویژه برخوردار و طبابت با دیانت توأم بوده است و رشته الهیات و طب را با هم و همزمان تحصیل می نموده اند و او را مظهر اسم محیی و احیاء گری نامیده اند. از ثمره های ارتباط تنگاتنگ دین و طب متخلق شدن، متشرع شدن، مغرور نشدن و خیلی موارد مفید دیگر خواهد بود که برای پزشک به عنوان کسی که با عزیزترین و برترین مخلوق خدا در ارتباط است لازم و ضروری است و به خاطر همین ارتباط در قدیم اطبا خودشان را به هیچ وجه در مقام شافی نمی دیدند و شفا را منحصر به اذن خداوند می دانستند همانطور که در قرآن کریم آمده است *وَ إِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ*. عموم اطباء قدیم خود را برای مقام طبابت نیز لائق نمی دانستند و نام طبیب بر خود نمی گذاشتند بلکه عموماً خود را متطبب می نامیدند چرا که کلمه طبیب و حکیم مطلق را فقط شایسته ذات باری عز اسمه می پنداشتند و بس و اگر کسی خود را به نام طبیب می خواند آن را نامتناسب می شمردند. از ثمره های دیگر ارتباط تنگاتنگ داشتن دین و طب آگاه بودن پزشک به مسائل حلال و حرام می باشد که حداقل چیزی است که یک پزشک



باید از امور دینی فرا گرفته باشد و به طور قطع هر پزشکی که از احکام شرعی مرتبط با کارش اطلاع نداشته باشد به حرام می‌افتد و مرتکب گناهان بیشمار می‌گردد.

در پاسخ به این سوال که چرا در کتب حکمای طب سنتی بعضا به ذکر مواد و داروهای حرام و اثرات، مضرات و روش استفاده آن‌ها پرداخته شده است، چند پاسخ می‌توان داد که به طور خلاصه عبارتند از: امانتداری در ذکر موضوعات طبی و نقل قول های علمی، توقف درمان بر استفاده موردی از مواد حرام، بهره مندی دانشمندان یا بیماران غیر مسلمان از دانش و علوم حکمای مسلمان در بعد نظری و عملی، و .... البته لازم به ذکر است که حکما قبل از ذکر و تشریح این موضوعات در کتاب های خود، معمولاً به طور مفصل و موکد، به بیان حرام بودن آن در شارع مقدس و عدم تعلق شفا بر حرام اشاره کرده و دلائل ذکر موضوع را نیز آورده اند و سپس به بیان مسائل علمی در آن مورد پرداخته اند.

**نتیجه گیری کلی و پیشنهاد:** به دنبال انجام این گونه مطالعات، لزوم توجه ویژه نظری و عملی به موضوع فقه و ضوابط شرعی در علوم پزشکی به منظور پیشگیری از تداوم عوارض ناشی از فقدان آن برای جامعه، مشخص می‌شود که این مهم از طریق ارتباط مستمر بین حوزه های علمیه و دانشگاه های علوم پزشکی انجام پذیر است. مسلماً واکاوی و بازبانی میراث طبی کشور در موضوع نقش فقه و دین در طب به عنوان حقایق درخشانی که قرن ها تجربه شده و می‌توانند الگو قرار گیرند و نیز نگارش مقالات و کتب تخصصی به روز در این حوزه و طراحی و راه اندازی دوره های آموزشی ضمن تحصیل دانشجویان گروه علوم پزشکی، حرکات موثری در تحقق این امر خواهد بود انشاء الله.

**کلید واژه ها:** ضوابط شرعی، احکام پزشکی، طب سنتی ایران